

مصاحبه با محمد اشرفی درباره کمپین

کمیته پیگیری در حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه

سلام دمکرات

شنبه بیست نهم تیر هشتاد و هفت

مصاحبه سلام دمکرات با آقای محمد اشرفی درباره کمپین کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در حمایت از کارگران اعتصابی طرح نیشکر هفت تپه

درود بر شما آقای اشرفی و از اینکه دعوت ما را به مصاحبه پذیرفتید متشکریم.

۱- کارگران هفت تپه ماه ها است که در اعتراض و اعتصاب به سر می برند برای شروع و آشنایی بیشتر خوانندگان لطفاً به اصلی ترین خواست های کارگران هفت تپه اشاره کنید و شرح کوتاهی از وقایع این چند ماه بدهید؟

سلام و خسته نباشید من قبل از پاسخ به سوالات اول سخنی با کارگران هفت تپه دارم: دوستان، ما می دانیم که شما در شرایط بسیار سخت و بغرنجی به سر می برید. این را هم می دانیم که ما وظیفه طبقاتی خود را هنوز انجام نداده ایم. اما شما بدانید که ذره به ذره و لحظه به لحظه وجود و اندیشه ی ما در رابطه با مشکلات شما می گذرد، و دائماً در این فکر هستیم که چگونه می توانیم به هم طبقه ای های خود یاری برسانیم. آنچه مانع است، نبود تشکل های کارگری، نبود سازمان سیاسی کارگران، پراکندگی و تفرقه میان ماست. که البته تلاش می کنیم به موانع فوق غلبه کنیم. بامید چنان روزی.

جواب این سوال را به سه قسمت تقسیم می کنم تا بهتر بتوانم تشریح کنم.

۱- طرح سرمایه جهانی و داخلی برای مضاعف کردن سود خود و استثمار نیروی کار به طور عام

۲- گزارش از هفت تپه و مشکلات آنها

۳- مکانیسم های اجرایی طرح فوق در هفت تپه و مشکلات فعالان در این رابطه

۱- طرح سرمایه جهانی و داخلی برای مضاعف کردن سود خود و استثمار نیروی کار به طور عام

سرمایه داری خارجی، داخلی و دولتش همگی با تمامی عوامل خود دست به دست داده اند تا زیر پای کارگران را خالی کنند. کارگران با داشتن کار، دارای محل کار می شوند که بتوانند در آنجا کار کرده، امرارمعاش کنند و اگر به مشکل برخورد کردند اعتراض (تجمع، اعتصاب و راه پیمایی و...) کنند. با توجه به موارد بالا سرمایه داری با طرح و نقشه های دقیق می خواهد محل کار و به اعتباری محل اعتراض را با مکانیسم های مختلف از کارگران بگیرد. عمده ترین این مکانیسم ها عبارتند از:

الف- به بهانه تغییر کاربری کارخانجات همه کارگران را اخراج یا باز خرید (که نوعی اخراج است) می کنند

ب- با تغییر محل کارخانه (چون بیشتر کارگران نمی توانند به محل جدید نقل و مکان کنند مجبور به باز خرید یا استفا می گردند)

ج- اخراج های گسترده با توسل به قوانین جدید که دست کارفرما را در اخراج به بهانه های مختلف باز گذاشته است

د- اعلام ورشکستگی کاذب یا حتی واقعی و ورشکستگی عمدی

ه- فروش زمین کارخانه (بسیاری از کارخانه های که در شهر های بزرگ و صنعتی قرار دارند بر اثر رشد قیمت زمین بسیار سود آور شده است بنابراین کارفرمایان با فروش کارخانجات یا تبدیل محل کارخانه به پاساژهای تجاری ضمن بردن سود های کلان باعث بیکاری بسیاری از کارگران می شوند)
و- با فروش زمین به سرمایه دلالی می پیوندند.

سرمایه داری به طور عمده از طریق ۶ مورد نامبرده باعث می شود

۱- تمامی سوابق کارگران از بین رفته و آنها در بازار کار به عنوان کارگر صفر کیلو متر شناخته شوند.

۲- دیگر کارگر رسمی وجود نداشته باشد و کارگران مجبور به امضای قراردادهای یک ماهه و کمتر شوند.

۳- بیکاری گسترده به صورت لشگر بیکاران فشار هر چه بیشتری را بر طبقه کارگر وارد کنند تا طبقه کارگر نتواند به سمت همبستگی طبقاتی حرکت کند.

۴- اشتغال ناپایدار، موقتی و با تناوب و دامنه بسیار کوتاه مدت باشد.

هرگاه ۴ مورد نام برده اتفاق افتد دیگر ایجاد تشکل در نزد بسیاری از کارگران معنای خود را حد اقل برای مدت طولانی از دست می دهد. یعنی کارگرانی که هر روز یا هر ماه همکارانشان عوض می شوند و فرصت نمی یابد که در مورد نیاز های خود و طبقه بحث کنند یا برای مدتی که با هم کار می کنند مجبور به قرارداد موقت هستند، از ترس اخراج، امکان کنار هم آمدن را ندارند. در چنین وضعیتی فقط کارگران آزاد (شغل های صنفی و حرفه آزاد)، و پیشرو و انقلابی تن به تشکل می دهند، نه کارگران در بعد توده ای. قرارداد موقت و کار ناپایدار در بهترین حالت تشکل و اعتراضات کم برد و موقت و ناپایدار می تواند ارائه کند. یعنی با توجه به موقت و سیار بودن اشتغال، اعتراضات نیز موقت، سیار و آبکی خواهد بود. در شرایط فعلی ایران که تشکل های صنفی و اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر وجود ندارند، آنچه می تواند کارساز باشد، در مرحله اول مبارزه با انحرافات درون طبقه کارگر است که با جلوگیری از همبستگی سیاسی کارگران زمینه را برای پیاده شدن نقشه های سرمایه داری آماده می کنند. رویزونیست ها، اکونومیست ها، رفرمیستها و انحلال طلبان کارگران را به دنبال خود به مسیری می برند که در بهترین حالت ایجاد و تکیه به تشکل های صنفی و اقتصادی است، که به دنباله روی از سرمایه ختم می شود. اما در حالت کنونی که سرمایه داری امکان ایجاد تشکل صنفی و اقتصادی را نیز از کارگران سلب کرده است این انحرافات مسیر دور تسلسل اسب اعصاری را طی می کنند و کارگران نیز در "خود به خودیسم" بدون یافتن راه جهت دار باقی مانده اند. نتیجه ۹ سال مبارزه دور جدید کارگران ایران که از نظر عینی کاملاً شرایط آماده است هر چند اعتراضات خود به خودی هر روز گسترش می یابد اما در نهایت هیچ بدست نیامده است. سرنوشت آرژانتین نیز همین موارد را نشان می دهد. بعد از ۹ سال تاخت و تاز انحرافات اکونومیستی و ... باید آنها را وادار به اعتراف کرد که فقط سازمان سیاسی کارگران در پیوند ارگانیک با سازمان صنفی و اقتصادی کارگران می تواند باعث همبستگی طبقاتی و مقابله با طرح های ضد کارگری سرمایه داران باشد. امروز با افزایش

تصادفی فشار بر کارگران و شکست خوردن انحرافات که بیش از ۹ سال تاخت و تاز کردند و اکنون که دیگر آدم چنین میدانی نیستند زمینه برای فعالیت گرایش اصولی هر چه بیشتر آماده شده است. آنچه امروز ضرورت فوری است ایجاد سازمان سیاسی کارگران است که بتواند ضمن جلوگیری از پیاده شدن طرح های سرمایه داری، در جهت ایجاد تشکل های صنفی و اقتصادی نیز گام های بلند بردارد. وظیفه اولیه سازمان سیاسی کارگران نجات محل کار کارگران به جهت امرار معاش، محلی برای اعتراض و محلی برای برقراری تشکل کارگری است که در مبارزه مکمل یکدیگرند.

این مقدمه ای بود که بتوانیم مشکلات هفت تپه را به صورت عمیق بررسی کنیم. اول برای شکستن بازار هفت تپه، اقدام به وارد کردن شکر با تعرفه بسیار پایین کردند و سپس کار فرما با این بهانه اقدام به فروش زمین های کشاورزی کرد. کارگران در دفاع از کار و زندگی خود اقدام به اعتراض کردند. کار فرما وقتی نتوانست به راحتی زمین ها را بفروشد، برای قطع پیوند ارگانیک قسمت های مختلف مجتمع کشت و صنعت و بی پایه کردن موجودیت کارخانه، در زمان نامناسب زمین های کاشته شده را آب انداخت، بخشی از زمین ها را به گندم کاری اجاره داد و بخشی را نیز فروخت. در واقع ارتباط ارگانیک قسمت های مختلف را مختل کرد. به زبان ساده این عمل جنایت کارانه کارفرما چنین است:

اول قلمه نی کاشته شده وقتی بار آمد نی ها را بریده به کارخانه شکر می برند پس از جدا کردن شکر قسمت هایی که برای شکر بدرد نمی خورد به کارخانه کاغذ پارس و دستمال کاغذی حریر برده شده تبدیل به کاغذ و یا دستمال می کنند و سپس تفاله ها را به شرکت دام و طیور می برند و در آنجا غذای دام تولید می نمایند. حال توجه کنید اگر زمین ها فروخته شود یا گندم کاری شود یا بی مورد آب انداخته شود، نی شکر که مواد اولیه هر چهار کارخانه است وجود نخواهد داشت. بنابراین هر چهار کارخانه از کار خواهد افتاد. این نقشه کارفرما و دولتش برای خالی کردن زیرپای کارگران بوده و هست.

جنایاتی که سرمایه جهانی در قالب طرح های نئولیبرالی (خصوصی سازی - آزاد سازی اقتصاد- جهانی سازی اقتصاد) برای نجات سرمایه از بحران ساختاری و فرافکنی نتایج بحران، دولت ها را که پیشکار سرمایه هستند و ادار به افزایش انتقال نتایج بحران به زندگی کارگران می کنند. دولت ایران نیز در این مسیر یک عامل و پیشکار دست آموز سرمایه علی رغم ظاهر فریبنده، طبق واقعیت موجودیش، ذاتاً در خدمت سرمایه داخلی و جهانی بوده و دستورات سرمایه را مو به مواجرا کرده و استثمار کارگران را صد چندان می کند. در جهت همبستگی سرمایه داخلی و جهانی و خدمت گذاری دولت به هر دو بخش نقشه های خاص مربوط به هفت تپه عبارت هستند از: وارد کردن شکر، سرکوب مستقیم و غیر مستقیم کارگران، فروش زمین ها، جلوگیری از کاشت و تخریب نی ها، عقب نگه داشتن تکنولوژی تولید، برداشت های پولی نامناسب از نقدینگی شرکت و ... در مقابل کارگران بیش از یک سال است برای دفاع از زندگی و کار خود جانانه، اما تک افتاده مقاومت می کنند.

۲- گزارش از هفت تپه و مشکلات آنها

مجتمع کشت و صنعت هفت تپه متشکل از پنج بخش است:

الف- هزاران هکتار زمین کشاورزی

ب- کارخانه نیشکر هفت تپه

ج- کارخانه کاغذ سازی پارس

ه- کارخانه حریر پارس (تولید دستمال کاغذی حریر)

و- شرکت دام و طیور

این مجتمع در سال ۱۳۳۹ در منطقه حسین آباد هفت تپه با کشت نیشکر شروع به کارکرد و در سال ۱۳۴۰ کارخانه آن راه اندازی شد. در سال ۱۳۵۰ الی ۵۲ کارگران توانستند سندیکای خود را تشکیل بدهند که در سال ۱۳۵۹ تحت فشار های حاکمیت جدید و تشکل های فرمایشی بدون اعلام انحلال فراموش و رها شد. این واحد دولتی است که در سالهای اخیر اقدام به واگذاری کردند، اما هنوز موفق نشده اند. در حال حاضر این مجتمع دارای ۱۲۰۰۰ کارگر و کارمند در منطقه است (چون در شهرهای دیگر از جمله تهران دفاتر و انبار های دارد) جمعیت کارگران این مجتمع با خانواده خود بالغ بر ۵۵۰۰۰ نفر می شود. از طرفی بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از اهالی شهر های اندیمشک، دزفول و شوش همچنین شهرک های اطراف هفت تپه از جمله هاواک- سیماک و ونگورا بطور غیر مستقیم از وجود آن امرار معاش می کنند. یعنی در صورت بر چیده شدن این مجتمع بیش از یک صد هزار نفر دچار آوارگی و مشکل خواهند شد. چون در این منطقه کارخانه یا مراکز صنعتی و تولیدی دیگری وجود ندارد. یکی از عمده ترین دلایلی که کارگران علی رغم اینکه هنوز به آگاهی خوبی دست نیافته اند، اما از اعتراضات خود نمی کاهند، و اهالی به شدت از کارگران حمایت میکنند همین مورد است. آنچه در این میان با توجه به آمادگی عینی (هرچند در بعد کوچک) کم است تشکل و ساختاری است که بتواند آگاهی رسانی کرده همبستگی طبقاتی را نیز آماده کند.

اولین اعتصاب کارگران هفت تپه در تاریخ ۸۶/۳/۱ بدنبال عدم پرداخت دستمزدها شروع شد که مطالبات اعلام شده عبارت بود از:

۱- پرداخت دستمزد های معوقه

۲- عدم فروش ابزار تولید

۳- عدم تعدیل نیرو

۴- عدم فروش زمین های کشاورزی

۵- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

۶- جلوگیری از خصوصی سازی

۷- دوره دوم اعتصابات از ۸۶/۶/۲۱ شروع شد که در این دوره احیای سندیکا به مطالبات قبلی افزوده شد.

دوره سوم اعتصابات از ۸۶/۷/۷ آغاز شد که یکی از طولانیترین دوره ها است. این دوره سرکوب سختی به دنبال داشت و همچنین اطلاع رسانی نیز قویتر شد. دوره چهارم از ۱۳۸۷/۲/۲۰ شروع شد و بیش از ۵۰ روز ادامه داشت و در این دوره مطالبات زیر به خواسته های قبلی اضافه شدند:

۱- پایان پرونده سازی و احضار فعالین کارگری به دادگاه انقلاب

۲- برکناری یعقوب شفیعی مدیر عامل شرکت

۳- بر کناری رئیس حراست که نقش مستقیم در پرونده سازی و سرکوب علیه کارگران داشت

۴- بر کناری فرماندار شوش

۵- جلوگیری از فروش زمین ها

دوره پنجم از تاریخ ۸۷/۴/۱۳ شروع شده و همچنان ادامه دارد. علت قطع اعتصاب در دوره چهارم و عده مدیر عامل به پرداخت دستمزدها تا ۲۰ روز بود که کارگران مشغول به کار شدند، اما هنوز سه هفته نشده بدلیل اینکه مدیر عامل اقدام به فروش زمین ها کرده بود کارگران مجدداً دست به اعتصاب زدند.

طی این پنج دوره اعتصاب کارگران بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند که البته ۵ نفر از کارگران و یک روزنامه نگار بیشتر مورد تعقیب و آزار بودند.

کارگران بارها در شهر شوش راه پیمایی کرده اند و اهالی نیز به آنها پیوسته اند. بارها جاده های اطراف را بستند. در محوطه کارخانه در مقابل آن و در مقابل فرمانداری، بارها تجمع و تحصن کرده اند و بیشتر مواقع خانواده ها ایشان نیز در راه پیمایی ها حضور داشتند.

در حال حاضر افق روشن و آینده مشخصی دیده نمی شود. کارگران مصمم به گرفتن مطالبات خود هستند، سرمایه داران و دولت مصمم به سرکوب آنها. بنابراین تکلیف این نبرد را بخش های دیگری از نیرو های طبقه کارگر روشن خواهد کرد، اگر کارگران دیگر کارخانجات و فعالان کارگری و بخصوص کارگران و فعالان خارج از ایران دست به حمایت های مالی و عملی بزنند، توازن قوا به سود کارگران هفت تپه تغییر خواهد کرد. در غیر این صورت مبارزه فرسایشی آنها را شکست خواهد داد. من به همبستگی طبقاتی بسیار امید وار هستم.

۳- مکانیسم های اجرایی طرح فوق در هفت تپه و مشکلات فعالان در این رابطه

تا به این روز فعالان کارگری کاری جز خبر رسانی و ابراز همدردی با کارگران هفت تپه انجام نداده اند و به جای حمایت های مالی و عملی و همچنین انتقال آگاهی و تجربیات تاریخی جنبش کارگری آنها را به مسیر خود به خودی، یاس و ناامیدی و فرمیستی - به بهانه اینکه کارگران خودشان باید خود را آزاد کنند، کارگران را باید آزاد گذاشت تا خودشان به آگاهی برسند و از این شعار های زیبا و دمکرات منش و آزاد خواهانه و لیبرالی - هدایت کرده اند. این لیبرال ها حتی پیشنهاد ها را نیز سلب آزادی از کارگران قلمداد می کنند تا کارگران به شکست نزدیک شوند این همان روحیه "خود به خودیسم" حاکم است که از طریق ایدئولوژی های مسخ شده لیبرالی پست مدرنیسم، پسا مارکسیسم و پلورالیسم شعاری پشتیبانی می شود. و اگر کسانی پیدا شوند که بخواهند آگاهی به طبقه کارگر منتقل کنند، فریاد وا ویلای این فعالان لیبرال به آسمان می رود، که استقلال کارگران زیر پا گذاشته شد. باید افشا کرد که در محیطی که ایدئولوژی سرمایه داری هژمونی کامل و مسلط دارد، کارگران چه استقلالی دارند؟ آیا "استقلال" آنها، همان زیر سلطه سرمایه داری ماندن نیست؟ آیا این فعالان برای حفظ این سلطه سینه چاک می کنند؟ آیا انتقال آگاهی سوسیالیستی از هر کانالی زیر پا گذاشتن استقلال کارگران محسوب می شود؟ ولی رها کردن آنها در نا آگاهی و در زیر سلطه سرمایه حفظ استقلال ایشان است؟ آیا سرمایه داری خدمت گذاران بی جیره و مواجی بهتر از این دوستان می تواند داشته باشد؟ بعد دیگر این اعمال لیبرالی این است که کارگران در نا آگاهی طبقاتی خود با شنیدن گفته های آنها بیشتر فریب خورده فکر می کنند کسانی که سخن از استقلال آنها به زبان می آورند واقعا "مدافعان کارگران هستند. این لیبرال ها با سو استفاده از سطح پایین آگاهی کارگران و با تکه پاره کردن جنبش کارگری به بهانه های حرکت از بالا یا حرکت از پایین در مقابل انتقال آگاهی سوسیالیستی مانع تراشی کرده با شعار های عوام فریبانه و زیبا حرکت از پایین، جنبش را همچنان در خودبه

خودبسم و دنباله روی و زائده سرمایه نگه می دارند. در حالی که باید پذیرفت آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی از درون جنبش خود به خودی بیرون نمی آید و همچنین بخشهای آگاه طبقه کارگر جز لاینفک طبقه اند که چه در بالا و چه در پایین باشد باید پیوند ارگانیک با تمامی لایه ها داشته باشند تا طبقه کارگر بتواند به "طبقه برای خود" تبدیل شود همان چیزی که سرمایه داری از آن می ترسد و این لیبرال ها در کسوت فعالین کارگری مانع عملی آن هستند.

متأسفانه تحت فشارهای اقتصادی و بی پولی شدید، کارگران نان نسیه می خرند به امید اینکه اگر دستمزد خود را گرفتند پرداخت خواهند کرد. در قدیم به این نوع خرید، خرید چوب خطی می گفتند که البته خرید چوب خطی زمان پرداختش مشخص بود. امادر هفت تپه چون زمان پرداخت پول نان های خریداری شده مشخص نیست نام آن را نان قرصی گذاشته اند. این مثالی بود برای نشان دادن عمق فشار و فاجعه.

یک معضل دیگری نیز در آنجا وجود دارد که مختص شهر های کوچک است: چون در آنجا مجتمع کشت و صنعت هفت تپه تنها و عمده مرکز تولیدی و کار برای اهالی ۳ شهری ۳ شهرک است کارگران در هنگام بیکاری یا عدم دریافت دستمزد امکان قرض گرفتن از دوستان و وابستگان را ندارند. چون در آمد بیشتر اهالی به رونق یا کساد همین مجتمع بستگی دارد. یعنی منطقه گرفتار اقتصاد تک پایه ای است. این مورد از یک سو در جهت رشد آگاهی و سطح مبارزه و همچنین حرکت در مسیرهایی مثبت است، اما، از جهت امرار معاش بسیار سخت و شکننده است. این فشار ها باعث شدید تر شدن اعتراضات می شود ولی حاکمیت جواب آنرا با سرکوب بیشتر می دهد و سعی دارد اعتراضات را فرسایشی کند. در مقابل فرسایشی شدن اعتراضات انحرافات پدید می شود. از جمله تعدادی از کارگران پیشنهاد "کنترل کارگری" می دهند و حتی برخی از فعالین کارگری به جای جلوگیری از این عمل و تشریح غلط بودن کنترل کارگری و انتقاد تجربه های شکست خورده، به بهانه اینکه حداقل کارشان را حفظ می کنند، از استحصال کارگران سواستفاده کرده و فرمیسم کنترل کارگری را تایید می کنند. همان گونه که کارگران چینی سازی گیلان گرفتار مدار بسته و شراکت با سرمایه داری شدند و امروز شکست آنها در کنترل کارگری محرز شده است، کارگران هفت تپه نیز اگر دست به کنترل کارگری بزنند به همان مسیر شکست خورده هدایت خواهند شد. ما از کارگران هفت تپه می خواهیم قبل از پیش گرفتن کنترل کارگری به سرنوشت کارگران ونزوئلا، آرژانتین و بخصوص کارگران چینی سازی گیلان توجه دقیقی داشته باشند.

فعالان کارگری که پیوند ارگانیک طبقاتی را قبول دارند، موظفند هر چه زودتر کارگران را نسبت به کنترل کارگری که باعث نفاق دو دستگی و شکست کارگران و نجات سرمایه داران می شود، آگاه کنند. وقتی کنترل کارخانه در زمانی که دولت سرمایه داری تسلط سیاسی دارد به کارگران سپرده می شود در واقع کارگران به مشاوران سرمایه داری تبدیل می شوند. فرض این مورد را در هفت تپه بررسی می کنیم:

کارگران باید مدتی هزینه کنند تا محصول برای فروش در بازار آماده شود (کاشت، برداشت و فرآوری) باید در این مدت هزینه های مختلف و دستمزدها را که یکی از هزینه ها است پرداخت کرد. که می دانیم کارگران چنین پولی ندارند. حتی اگر از طریق وام های خانمان برانداز بتوانند محصول را به بازار برسانند تازه به مشکل اصلی بر خواهند خورد یعنی بازار آزاد، تعرفه گمرکی کم، مافیای شکر که با واردات هنگفت بازار را اشباع کرده است و محصول هفت تپه روی دست کارگران میماند. از یک طرف تاریخ سررسید وام ها است و از طرف دیگر دستمزد کارگران. حالا طرف حساب و طرف اعتراض کارگران دیگر کارفرما و دولت نیست، بلکه تعدادی از خود کارگران هستند که مدیریت کارخانه را در دوره

کنترل کارگری به عنوان نمایندگان کارگران به عهده دارند. اینک ایشان هستند که باید رودرروی بقیه بایستند. این همان نفاق است که سرمایه داری از طریق کنترل کارگری ایجاد می کند. آن زمان کارگران، خود مجبور می شوند به دنبال خریدار زمین بگردند و یا دنبال سرمایه داری برای شراکت. این مسیر شکست است. کارگران وقتی کنترل یک یا چند کارخانه را بدست می گیرند وارد رقابتی نابرابر می شوند. رقابت در بازاری که سرمایه داران (دشمنان کارگران) حاکمیت دارند. یعنی دولت مال آنها است و قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، فرهنگ قالب و قدرت نظامی دارند. در این رقابت نتیجه ای جز شکست برای کارگران وجود ندارد. کنترل کارگری فقط زمانی می تواند اندک ثمری برای کارگران داشته باشد که ابزار قدرت سیاسی در تصرف طبقه کارگر باشد.

دقیقا" زمانی که سرمایه داری در برنامه تولید در نقاطی شکست می خورد، دست به دامن کنترل کارگری می شود و وظایف خود را به دوش نمایندگان کارگران گذاشته آنها را به مشاوران خود تبدیل می نماید. و پس از مدتی کارگران به جای مبارزه با سرمایه داران با نمایندگان خود که به مشاوران سرمایه داری تبدیل شده اند می پردازند.

این طریقه مشاور شدن در "ان جی او" ها نیز دیده می شود که سرمایه داری بخش عمده وظایف خود را برای جمع وجور کردن کثافت کاری های نظام خود، به عهده خیرین اومانیست نا آگاه می گذارد. تا آنها کودکان کار و خیابان را به اصطلاح نجات بدهند. افراد خیر این چنینی با توجیحات اومانیستی از یک طرف تبدیل به خدمت گزاران و مهره های سرمایه داری می شوند و از طرف دیگر به صورت سوپاپ اطمینان رفرمیستی باعث تعدیل فشار بر سرمایه داری می گردند (برای اثبات این ادعا همین قدر کافی است که موسسات و ادارات دولت سرمایه داری کمک های مالی به این ان جی او ها می کنند). کنترل کارگری نیز همین سود ها را به سرمایه داری می رساند. مسئولیت و فشار باز سازی خرابی اقتصادی که خود به بار آورده است را به دوش کارگران می گذارد. و بخشی از کارگران این چنین به مهره های سرمایه داری تبدیل شده، فشار بر نظام را تقلیل داده و در مسیر رفرمیستی حرکت می کنند. اما آنچه بدست می آورند، ظاهر "آنچه کارگران بدست می آورند، عقب انداختن بیکاری خود است. البته تا مدتی بیکار نمی شوند ولی کاری که بتوانند دستمزد بگیرند نخواهند داشت که خود بدتر از بیکاری است. و یا اگر بتوانند با وام دستمزدی دریافت کنند، پس از مدتی با برخورد به بازار برای فروش محصول به مشکلات بسیاری دچار خواهند شد.

۲- اهداف کمپین حمایت از کارگران هفت تپه چیست؟ و شما چه راه کار هایی عملی برای تحقق آن در نظر گرفته اید؟

کمپین اهداف مختلفی را دنبال می کند که عبارتند از:

۱- طرح مسائل مختلف در جنبش کارگری

۲- کشف مکانیسم ها و راهکارهای مختلف

۳- افزایش عمومی تر کردن حمایت های عملی

۴- کسب تجربه از میدان عمل برای انتقال به آینده

با توجه به اینکه عدم همبستگی به گره کور تبدیل شده می خواهیم از طریق کمپین و دیگر راه ها زوایای تاریک موانع را با کمک دیگر فعالان و گروهها بررسی کرده و در صورت توان بر طرف کنیم. یا حداقل رو به عموم اعلام نماییم. آنچه امروز طبقه کارگر به طور عام و کارگران هفت تپه به طور خاص نسبت به همبستگی طبقاتی از آن رنج می برند انحرافات است که تمامی اعتراضات را به رفرمیسم میکشاند. اگر بتوانیم در میدان عمل مانند هفت تپه رگه های انحراف

را به طور واقعی بازکنیم تا کارگران خود به واقعیت پی ببرند و راه درست را پیش بگیرند، ضمن اینکه امکان پیروزی در هفت تپه ایجاد می شود، برای اعتراضات آینده نیز با کسب و انتقال تجربه، انحرافات به حاشیه رانده خواهند شد. عمده ترین انحرافات که مانع همبستگی طبقاتی و موفقیت کارگران هفت تپه هستند عبارتند از:

۱- گرایشات روزیونیستی

۲- گرایشات اکونومیستی

۳- گرایشات رفرمیستی

۴- گرایشات انحلال طلبی

البته بررسی و شکافتن این مقوله ها در اینجا امکان پذیر نیست.

در رابطه با کشف راه های مختلف برای همبستگی و ارتقاء سطح مبارزه و ارائه کمک های عملی کارگران، جنبش های اجتماعی و مردم به سمت کارگران اعتصابی، باید ضمن طرح موضوع بستری ایجاد کرد تا خود فاعلین همبستگی مبتکرانه کشف مکانیسم کنند. که خود کارگران و فعالان در تمامی موارد بهترین ابتکارات را بکار می بندند. هر چند ما راه هایی را پیشنهاد کردیم، اما نباید به آنها محدود شود، بلکه باید از ابتکارات خود کارگران بیشتر سود جست. بنابراین یکی دیگر از اهداف کمپین ایجاد بستری است که کارگران و فعالان بتوانند با ابتکارات خود مکانیسم های کارآمدتری برای کمک به اعتصابات بیابند.

ایجاد صندوقهای حمایتی از کارگران هفت تپه، جمع آوری امضا و همچنین گسترده کردن اطلاع رسانی از عمده ترین وظایفی است که برای هفت تپه در نظر داریم. و به دنبال آن در صورت توان برای ایجاد صندوق سراسری اعتصاب که ضرورت فوری زمان ما است، با همکاری دیگر گروهها برای عموم جنبش کارگری، تلاش خواهیم کرد.

این کمپین تلاش دارد مکانیسم های فراتر از خودش را برای عمومی تر کردن حمایتها تبلیغ کند به همین دلیل در اطلاعیه های خود خواستیم که فعالان و گروه ها و کارگران خودشان در محل کار و زندگی خود اقدام به تشکیل صندوق حمایت مالی نمایند و از هر طریق ممکن به کارگران هفت تپه برسانند. این نیز به نوعی طرح مسئله و شریک کردن فعالان و کارگران در کمپین به عنوان بخشی از تصمیم گیرنده ها بوده است. هدف دیگر کمپین ایجاد انگیزه به طور مستقیم و غیر مستقیم است. البته تا حدودی نیز جواب مثبت داده است. از جمله مثال دم دستی برگزاری گلگشت شورای همکاری و جمع آوری کمک مالی که پس از اعلام کمپین انجام شد و ما طی اطلاعیه ای از دوستان تشکر کردیم این نتیجه ی همان ایجاد انگیزه است. و همچنین حرکت هایی در حال انجام است که چون هنوز به ثمر ننشسته اند بیان نمی کنم در گزارشات اعلام خواهند شد.

۳- حوزه ی فعالیت این کمپین در کجا قرار دارد؟ آیا صرفا در میان کارگران ایرانی است یا عموم مردم؟ آیا در حوزه بین المللی نیز اقداماتی درست اجرا دارید؟

ما نسبت به کمپین و توانایی خود دچار توهم نیستیم و قصد بزرگ نمایی و فریب هیچ کس را نداریم همچنین با آگاهی و تحلیل عینی کمپین را اعلام کردیم.

بنابراین علی رغم اینکه حوزه عمل کمپین را به هیچ محدوده جغرافیایی محدود نمی کنیم و به همین دلیل است که در اطلاعیه های خود اعلام کردیم برای رساندن کمک های خود به کارگران هفت تپه تنها به کانال های کمیته پیگیری اکتفا

نکنید بلکه فراتر از توان کمپین عمل کنید. بخش عمده کمپین همان طوری که عرض کردم طرح مسئله در حوزه عملی و نظری بوده است. که در هر دو حوزه موفقیت هایی چه در حد توان خود و چه فراتر از توان خود بدست آوردیم.

حوزه عمل کمپین از نظر ما فراتر از کارگران است بنابراین عموم مردم را در بر می گیرد همچنین تمامی انسانها را در نقاط مختلف جهان در بر می گیرد منتها هر چه دورتر هستند توان کمیته پیگیری کمتر می شود بنابراین خود هر چه بیشتر فراتر از کمیته پیگیری باید عمل بکنند در این مورد طرح مسئله عمده تر می شود. و در محدوده نزدیکتر کمیته عمل کرد مستقیم ما عمده تر می گردد. بعد دوم کمپین که به حوزه نظری می پردازد گستردگی یکسانی را می تواند پوشش بدهد.

که البته بیشتر طرح مسئله و کشف مکانیسم و راهکارها و افشای انحرافات است برای آماده تر شدن جهت مبارزات بعدی.

۴- آیا تاکنون اقدام عملی مشخصی برای اجرایی کردن حمایت خود از کارگران هفت تپه صورت داده اید؟

برگزاری چندین گلگشت، جمع آوری مبالغ کمکهای مالی، جمع آوری امضا و گسترش اطلاع رسانی از طریق سایتها، توزیع اطلاعیه، اخبار و گزارشات به طور عملی، انجام مصاحبه های مختلف، برگزاری چندین مسابقه ورزشی و کوهنوری و... صورت گرفته است که ریز آنها در گزارشات ارایه خواهد شد.

۵- در رسانه ها شاهد اعلام چند کمپین مشابه و موازی برای حمایت از کارگران هفت تپه بوده ایم. دلیل این تفرق و گوناگونی راجه می دانید؟ آیا این امر به هدف اصلی که همانا متحد کردن طبقه کارگر است ضربه نمی زند؟ چرا این فعالان نمی توانند در یک کمپین واحد شرکت کنند؟

این نتیجه ذاتی مرحله کنونی مبارزات کارگری است ما در کمیته پیگیری با توجه به این مرحله از مبارزه اعلام کردیم هر کدام از گروه ها و افراد خود مستقلاً هر کمکی که میتوانند سازماندهی نمایند هر چند که می دانیم این باعث تضعیف کمپین می گردد اما این نتیجه و لازمه چنین پراکندگی است که ما به تنهایی توان بر طرف کردن آنرا نداریم اما مصمم به همکاری برای بر طرف کردنش هستیم.

گرایشات مختلف و به حق دانستن هرگرایش از طرف پیروان خود، یکی از علل پراکندگی است که در کمپین ها نیز تاثیر کاملاً مخربی دارند. البته داشتن گرایشات مختلف خود به خود منفور نیست بلکه لازمه رشد و ارتقاء تئوری و عمل در دوره ای از مبارزات طبقاتی است. اما وقتی گرایش، مقدم و اصل و بستر و موضوع فعالیت خود قرار می گیرد، آنگاه زیان آور می گردد و باعث می شود که فعالان و کارگران حتی در نقاط کاملاً مشترک نیز نتوانند با هم کار کنند. این نیز باید دوره ای را طی کند تا رسوبات انحرافات گوناگون از بین بروند.

نباید فراموش کرد که پراکندگی و عدم تعامل با یکدیگر انعکاسی از عمق جامعه طبقاتی و دیکتاتوری سرمایه داری است که بر اثر بحران هویت چپ، طی دوره ای خاص در گذشته شدت یافته و با شرایط حاکم بر ایران چندین بار مضاعف شده است. کمیته پیگیری طی سه سال گذشته با عملکرد خود ثابت کرده است که در حین حفظ استقلال خود توانایی همکاری حتا با خود محورترین افراد و گروهها را دارد. برای اثبات این ادعا همینقدر کافی است که کمیته پیگیری بارها برای همکاری فراخوان داده است که جواب نگرفته (مانند فراخوان برای برگزاری مراسم اول ماه می ۸۵ و همین کمپین که بسیاری از افراد و گروهها برخوردار سانسورستی کرده، نادیده گرفته و از کنارش بی اعتنا می گذرند. نه قبول می کنند و رد می کنند.) ولی هر کدام از گروهها که فراخوان داده اند کمیته پیگیری سریعاً به آن پیوسته است (مانند اتحاد عمل در شورای همکاری).

در واقع اینها معضلات کنونی جنبش کارگری است و قبل از اعلام کمپین نیز نسبت به این طریقه برخورد ها آگاهی داشتیم. بارها چنین برخوردها را تجربه کرده ایم و در رابطه با آنها تحلیل داریم، که مبتنی بر واقعیات تاریخی است. اما این باعث نمی شود که ما عقب نشینی کنیم یا منفعل شویم، آنهایی که امروز سانتزستی بر خورد می کنند در آینده در مقابل جنبش کارگری باید جواب پس بدهند. ما طبق اصول و سیاست های تعیین شده کمیته پیگیری به پیش می رویم. ما حتی همکاری را برای خود یا برای آنها نمی خواهیم، بلکه بعنوان وظیفه لازم همبستگی طبقاتی و ضرورت تاریخی می دانیم.

در نهایت عمده بحث من مربوط به افق بلند مدت است. این درست است که کمپین کنونی برای کارگران هفت تپه اعلام شده است، ولی من این اعتراضات را نسبت به کل جنبش کارگری مقطعی می دانم. بنا بر این لازم می دانم ضمن حمایت و کمک به پیروز شدن کارگران هفت تپه، آن را مرحله ای برای صعود به سطوح بالاتری از مبارزات ببینیم. با این دید کمپین های پراکنده به عنوان مضعل دیده می شوند، که لازم است این وضعیت آسیب شناسی شود تا ضمن داشتن کمپین های قویتر از خرده کاری های این چنینی جلو گیری شود.

ایراد دیگر کار در این است که این کمپین باید حدود ۱۰ ماه پیش اعلام می شد، اما کمیته پیگیری در خود چنین توانی را نمی دید که بتواند ثمر بخش باشد. بنابراین در آن زمان از دیگر گروهها خواستیم که به صورت مشترک اقدام بکنیم ولی موافقت نشد. تا اینکه کمیته پیگیری تنها دست به کار شد.

من از کار های انجام شده توسط کمپین رضایت نسبی دارم. یعنی هم کمیته پیگیری می تواند بیشتر از این کار کند و هم گروههای دیگر می توانند کار های بسیاری به صورت انفرادی و یا با همکاری بیشتر انجام دهند تا ثمر بخش باشیم.

۶- در آخر به عنوان یکی از فعالان کمپین حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه چه درخواستی از دیگر کارگران ایران و عموم مردم آزادی خواه دارید؟

آنچه از اعتصاب انتظار داریم به دو بخش تقسیم می گردند. یک بخش کسب مطالبات عینی است که پایه عینی اعتصاب به حساب می آیند. که در کوتاه مدت نتیجه آن معلوم میشود (پیروزی کامل، پیروزی نسبی یا شکست) بخش دوم که به مرور زمان حاصل می شود آزمون تنوریهها، ارتفاع سطح مبارزه و آموزش و ارائه آگاهی طبقاتی است. اعتصاب به کارگران می آموزد که چگونه می توانند به مطالباتشان برسند، چه کسانی دوست و چه کسانی دشمن هستند. همچنین در پروسه اعتصاب نطفه آگاهی طبقاتی به عنوان بستر جذب و ارتباط گذاشته می شود. و در بلند مدت آموزش ها و تجربیات به بار نشسته سطح مبارزه را ارتقاء می دهد. بنابراین تمامی کارگران و افرادی که آزادی و انسانی زیستن را هدف زندگی خود قرار داده اند وظیفه دارند به هر طریق ممکن از کارگران هفت تپه حمایت کنند. با توجه به اینکه امروز کانون نبرد طبقاتی ایران در هفت تپه است همچنین شکی نیست که در آینده به صنایع دیگری (شاید به خودروسازی ها که نشانه های بحران در آنها خود را به آرامی نشان می دهد) کشیده خواهد شد. اگر بخواهیم این اعتصابات نتایج مثبتی به بار آورند باید از کارگران اعتصابی به عنوان نیرو های خط مقدم نبرد طبقاتی حمایت همه جانبه کنیم. وقتی کارگران اعتصابی را نیرو های خط مقدم بدانیم، بقیه کارگران، جنبشهای اجتماعی و مردم آزادی خواه نیز نیروهای پشت جبهه نبرد طبقاتی محسوب می شوند. زمانی امکان پیروزی وجود دارد که خط مقدم هر چه بیشتر توسط پشت جبهه حمایت عملی شود. این یعنی همبستگی طبقاتی و هژمونی طبقه کارگر.

عموماً اعتصابات برای بدست آوردن مطالبات اقتصادی یا به نوعی خواسته های وابسته به مطالبات اقتصادی شروع می شوند. از طرفی درحین اعتصاب فشار اقتصادی روی زندگی کارگران بیشتر می شود و در واقع ادامه اعتصاب به ضد موضوعیت خود تبدیل می شود. برای اینکه افزایش فشار اقتصادی به دلیل طولانی شدن اعتصاب باعث شکست اعتصاب و محو اثرات مثبت آن نشود، باید کارگران، فعالین کارگری و تمامی جنبش های اجتماعی اقدام به کمک های همه جانبه به خصوص کمک مالی کرده افزایش فشار اقتصادی را خنثی نمایند.

در بهترین حالت و نهایت کمک مالی در صندوق سراسری اعتصاب تبلور می یابد. اما با توجه به پراکندگی و وضعیت اعتصابات کنونی به خصوص اعتصاب کارگران هفت تپه نمی توان تا بر طرف شدن موانع و پراکندگی، سپس تشکیل صندوق سراسری اعتصاب دست روی دست گذاشت.

ما انتظار داریم هر کارگری و همچنین هر عضوی از جنبش های اجتماعی وظیفه خود بدانند که باید همه جانبه از کارگران اعتصابی به طور عام و از کارگران هفت تپه به طور خاص حمایت کرده و به خصوص به حمایت مالی توجه کنند.

توجه به این موضوع بسیار مهم است که اگر هر کارگری و هر عضوی از جنبش های اجتماعی هر ماهی فقط هزار تومان به صندوق اعتصاب کمک کند هر ماه حدود ۱۵ الی ۲۰ میلیارد تومان جمع آوری میشود. با پشتیبانی چنین مبلغی کارگران می توانند نظام سرمایه داری را به زانو در آورند. با توجه به پتانسل بالقوه موجود چنین قدرت طبقاتی با سازماندهی خوب میتوان به صندوق سراسری اعتصاب دست یافت (البته سازماندهی چنین کاری از عهده تشکیلات های صنفی و اقتصادی به تنهای بر نمی آید.) شکی نیست که در مسیر ساختن چنین صندوقی موانع بسیار سختی از جمله احتمال فساد و غیر وجود خواهد داشت و اتفاق هم خواهد افتاد. اما به دلیل وجود موانع و مشکلات نباید از انجام وظیفه شان خالی کرده و بی عملی را پیشه و تبلیغ کرد که برخی از فعالین با به پیش کشیدن چنین موانعی و احتمال فساد مالی از یک طرف بدون موجود بودن زمینه آلودگی خود را پاک نشان می دهند از طرف دیگر پاسیو بودن خود را پنهان می کنند و از سوی دیگر از وظایف خود شان خالی کرده و مانع تراشی می نمایند. مانع تراشی آنها این است که هنوز جنایتی پیش نیامده است، اعلام قصاص می کنند. همچنین حرکت، در واقع بی حرکتی آنها، باعث تفرقه، بی اعتمادی پیش از موعد، پراکندگی و جلوگیری از همبستگی طبقاتی است. هر چند که در گفتار بیان می کنند که صندوق اعتصاب ضرورت دارد اما در عمل وارد نمی گردند و با بیان مشکلات سر راه ساختن صندوق اعلام می دارند که هنوز وقتش نشده است. یعنی ضمن دلسوز نشان دادن خود از همه دعوت به بی عملی می کنند. ما می دانیم که در راه ساختن صندوق اعتصاب موانع بسیار زیادی از جمله خیانت و فساد مالی وجود خواهد داشت، اما می گوئیم وجود مشکلات نباید باعث پاسیو شدن ما و شکست جنبش شود. نمی توان در مورد راه نرفته حکم قطعی صادر کرد. و از طرفی با انتخاب و تعیین مکانیسم های خوب و دقیق و با نظارت گسترده و سازمان یافته می توان انحرافات را به سمت صفر سوق داد. اگر قبول داریم که صندوق اعتصاب ضرورت امروز است عمل نکردن به ضرورت به هربهانه ای خیانت به جنبش محسوب میشود. نباید از احتمالات ترسید و اصل و موضوع را نادیده گرفت.

ما اعتقاد داریم نمی توان مراحل مختلف در رابطه با صندوق اعتصاب را طی نکرده ناگهان به صندوق سراسری اعتصاب دست یافت، بلکه می گوئیم بالاخره باید پاسخ به ضرورت را هر چه زودتر از آنجائیکه ممکن است شروع کرد. همچنین اعتقاد داریم نطفه های صندوق سراسری اعتصاب به چهار شکل ممکن است ایجاد شوند:

۱- کارگران اعتصابی خود اعلام صندوق اعتصاب کنند.

۲- کارگران غیر اعتصابی در هر جائیکه هستند به عنوان پشت جبهه در محل کار خود صندوق های حمایتی تشکیل بدهند. (کارگران حتی با تعداد کم نیز می توانند در محل کار خود بدون اینکه دشمنان اطلاع پیدا کنند صندوق حمایت مالی تشکیل بدهند.)

۳- فعالان جنبش های اجتماعی در محل کار و زندگی خود اقدام به تشکیل صندوق های همیاری بکنند.

۴- فعالین جنبش کارگری با ایجاد صندوق حمایتی از اعتصابات در میان خود و تخصیص دادن یک روز از حقوق ماهانه خود به عنوان حق عضویت ایجاد کنند. و با پیش برد آن می توانند بسیاری از موانع را شناخته و کسب تجربه کرده سپس در ساختن صندوق سراسری اعتصاب که می تواند از مجموع چهار مورد به وجود بیاید استفاده کنند.

در انتها دوباره باید متذکر شد که نمی توان در انتظار ایجاد شدن صندوق های پیشنهادی باقی ماند. بنابراین تمامی کارگران و فعالان جنبش های اجتماعی و مردم آزادیخواه موظف به حمایت مالی از کارگران اعتصابی هستند و باید به هر طریق ممکن که خود می دانند کمک های خود را به آنها برسانند.

از یاد نبریم که کارگران به خاطر فشار اقتصادی و کمی دستمزد اقدام به اعتصاب می کنند بنابراین حتی اگر تقاضای کمک مالی هم نکنند حتماً احتیاج دارند.

از اینکه وقت خود را برای پاسخ دادن به سوالات ما اختصاص دادید، سپاسگزاریم و برای شما آرزوی موفقیت داریم.

سلام دمکرات

شنبه ۲۰۰۸/۰۷/۱۹